تصدیق [əkˈnɒlɪdʒ] v. تصدیق کردن

اگر چیزی را تأیید کنید ، واقعیت یا وجود آن را می پذیرید.

→ معلم اعتراف کرد که دانش آموز جوان گرسنه است.

سفیر

سفیر [ˈmˈbæsədər] n. سفیر

سفیر یک کارمند دولت است که در کشور دیگری کار می کند.

ambassador سفیر کره از مسئول کنفرانس بود.

طلایی

blonde [blɒnd] adj. طلایی

اگر کسی بلوند ، موهایی به رنگ روشن دارد.

c پسر عموی من با من متفاوت است. او بلوندی است با چشمانی آبی.

تسخیر

تسخیر [ˈkɒŋkər] v تسخیر

تسخیر کشوری به معنای حمله و کنترل آن است.

→ سربازان در تلاش برای غلبه بر جهان بودند.

کشیدن

drag [dræg] v. کشیدن

کشیدن چیزی به معنای کشیدن آن از سطح زمین است.

→ سگ داشت صاحبش را به خیابان می کشید.

اغراق کردن، مبالغه

مبالغه کردن [ɪgˈzædʒəreɪt] v

اغراق این است که بگوییم چیزی بزرگتر یا بهتر از آن است که واقعاً هست.

→ جیمی در مورد شدت آسیب دیدگی خود اغراق نکرد.

میراث

Heritage [ɪherɪtɪdʒ] n. میراث

میراث مجموعه ویژگی های یک جامعه است ، مانند زبان و دین.

Teepees بخشی از میراث هندی های آمریکای دشت است.

توهین

اهانت [ˈɪnsʌlt] v

اهانت به کسی ، گفتن جملاتی است که احساسات او را آزار می دهد.

→ دختران تمام بعد از ظهر به یکدیگر توهین می کردند.

در همین حال

در همین حال [ˈmiːnhwaɪl] مشاوره. در همین حال

در همین حال یعنی تا زمانی که اتفاقی بیفتد یا در حین وقوع چیزی.

→ او می خواهد در آینده پزشک شود ، اما در همین حال ، یک کار منظم را انجام می دهد.

گردنبند

necklace [ˈneklɪs] n. گردنبند

گردنبند جواهری است که مردم به گردن خود می بندند.

→ جویس برای سالگرد ازدواجش یک گردنبند مروارید دوست داشتنی دریافت کرد.

نجیب

نجیب [ˈnoubəl] n. نجیب

نجیب فردی ثروتمند و قدرتمند است.

→ ملکه یک نجیب زاده از یکی از کشورهای اطراف را برای صرف شام دعوت کرد.

گرانبها

Dear [ˈpreʃəs] adj. گرانبها

وقتی چیزی گرانبها باشد ، ارزشمند و مهم است.

→ در یک صحرا ، آب می تواند از پول با ارزش تر باشد.

تعصب

تعصب [ʒpredʒudɪs] n. تعصب

تعصب ، اظهارنظر ناعادلانه درباره ی کسی است قبل از اینکه با او آشنا شوید.

rules قوانین شرکت در برابر تعصب جنسیتی باید اجرا شود.

شایعه

شایعه [ˈruːmə: r] n شایعه

شایعه داستانی است که شاید درست نباشد.

→ کارلا مشغول شایعه پراکنی در اطراف دفتر بود.

گناه کردن

sin [sin] n. گناه کردن

گناه چیزی است که به دلایل مذهبی اشتباه است.

something مصرف چیزی که متعلق به شما نباشد گناه است.

عینک

تماشای [ˈspektəkəl] n. عینک

یک منظره منظره شگفت انگیزی است.

→ آبشارهای نیاگارا کاملاً تماشایی است.

پشته

stack [stæk] n. پشته

پشته انبوهی از چیزهای مختلف است.

on روی میز او یک سری کاغذ بازی بود که باید کامل شود.

مشکوک

مشکوک [səsˈpɪʃəs] adj. مشکوک

اگر کسی به شخص دیگری مشکوک باشد ، به آن شخص اعتماد ندارد.

→ پدر به تماس گیرنده خط مشکوک بود.

قلع

tin [tɪn] n. قلع

قلع یک فلز سفید ارزان است.

→ سوپ یک غذای رایج است که اغلب در قوطی های حلبی فروخته می شود.

گلدان

vase [veis] n. گلدان

گلدان ظرف جذابی است که مردم در آن گل نگهداری می کنند.

→ گلدان پر از چنین گلهای دوست داشتنی شد.

پیزارو و طلای اینکا

طبق شایعات ، تعداد زیادی طلای گرانبها در جنگل های پرو پنهان شده است. وقتی اسپانیا بخشی از آمریکای جنوبی را فتح کرد ، به آنجا رسید. نجیب زاده اسپانیایی ، فرانسیسکو پیزارو ، در دهه 1500 وارد پرو شد. او گروهی را یافت به نام اینكاها. اینكاها معتقد بودند كه رهبر آنها ، آتاهوالپا ، هم پادشاه است و هم خدا. اما پیزارو موافقت نکرد.

"این گناه است که یک مرد فکر کند خداست!" او به آتاهوالپا گفت.

آتاهوالپا فکر کرد پیزارو به میراث خود توهین می کند. او فکر کرد مردان اسپانیایی بلوند پیش داوری هایی علیه اینکاها دارند. اما آتاهوالپا مرد مهربانی بود و نمی خواست با اسپانیایی ها بجنگد. او گفت ، "اگر من اتاقی پر از طلا به شما بدهم ، آیا شما با آرامش کشور مرا ترک خواهید کرد؟"

پیزارو مشکوک بود. او فکر کرد آتاهوالپا اغراق می کند. اما چند روز بعد ، پیزارو به همراه سفرای خود به کاخ اینکا بازگشت. او اتاقی را دید که پر از طلا بود. گردنبندها ، فنجان ها ، بشقاب ها و گلدان های طلایی وجود داشت. این یک نمایش عالی بود. وی تصدیق کرد که آتاهوالپا حقیقت را گفته است. اما پس از دیدن طلا ، او تمام طلاهای پرو را خواست. بنابراین او کشور را ترک نکرد.

سربازان اسپانیایی در پرو ماندند و تمام طلاهایی را که یافتند به دست گرفتند. اما مردم اینکا اسپانیایی ها را فریب دادند. آنها طلا را با قلع مخلوط کردند تا کیفیت آن پایین باشد. آنها این طلا را به اسپانیایی ها دادند. در همین حال ، آنها طلای خوب را پنهان کردند. آنها آن را درون گونی ها ریخته و به اعماق جنگل کشاندند. فاتحان اسپانیایی هرگز طلا پیدا نکردند. مردم فکر می کنند که امروز هنوز آنجاست.